

# زنان، خطابه و تبلیغ

## فخر روحانی

و به دادخواهی پرداخت.

سخنوران برجسته برآنند که خطیب جهت تأثیرگذاری بیشتر بر روی مخاطبان خود باید شرایط فیزیکی لازم بمنظور ایجاد جو و فضای مناسب را مهیا سازد. فی‌المثل اگر گوینده‌ای در مجلس عزا می‌خواهد به بیان سخن و ایجاد احساس غم در مخاطبان خود پردازد باید خود لباس سیاه بپوشد و چهره‌ای غمناک داشته باشد.

فاطمه (س) که وارد مجلس شد، چنان گام برمیداشت که گویا پیامبر اکرم در راه بود و لذا سفارشات فراموش شده رسول‌الله تنها با

رویت منظره راه رفتن فاطمه در اذهان اهل مجلس یادآوری می‌شد. فاطمه در جایگاه خود بر زمین نشست و سپس آهی از دل برکشید. آیا انسان مصیبت زده عالمی از معنا به‌مراه دارد و لذا با ناله غم‌انگیز فاطمه مجلس متقلب شد و همگی به گریه افتادند و این خود انقلابی در مجلس پدید آورد. اکنون دیگر مستمعین قابلیت لازم جهت استماع خطابه فاطمه را یافته‌اند! با اندکی مکث (که مستمعین را فرصتی جهت آرام شدن احساسات ایشان داده باشد) سخن آغاز کرد.

خدا... توانا کسی است که از احساسات پاک شنوندگان در جهت نیل به اهداف خود بتواند بدرستی بهره‌برداری کند. مفاخر آنان را به یادشان آورد توانایی‌هایشان را برایشان بازگو نماید و متذکر ویژگی‌های مستمعین خود گردد؛ فاطمه (س) نیز به این منظور در خطبه فدکیه به بیان مفاخر اعراب و اهل مدینه می‌پردازد: «شما اشراف و برگزیدگان مردم مسلمان بوده‌اید که به فضیلت و خوبی‌ها مشهور بودند. شما را برای جنگ با اعراب کافر انتخاب می‌نمودند. شما بودید که گردنکشان روزگار را از پای»

«در می‌آوردید و هرگز از ما خاندان پیامبر دوری نمی‌کردید و همیشه فرمانبردار و مطاع بودید... اکنون ای مهاجر و انصار چه روی»  
«داده که حیران مانده‌اید؟ شما که در حال تحرک و ظهور قدرت بودید! پس از اقام و اقبال چرا پشت نمودید و مشرک شدید؟»  
«آیا با عهد شکنان عهد رسول‌الله پیکار نمی‌کنید؟... آیا از ایشان می‌ترسید؟ اگر مؤمن باشید سزاوار تر است که از خدا» «بترسید... ای مردم آنچه گفتم بامید آنکه در شما تأثیر نماید نگفتم چون می‌دانستم که کناره‌گیری شما از ما با گوشت و پوست شما آمیخته است و می‌دانم که مکر و دغل و فریب و وسوسه دلهای شما را فرا گرفته ولی چون دردها در سینه‌ام»

«جمع شده خواستم ادای وظیفه کرده باشم که نگریند نمی‌دانستیم. این آه سینه دردمند من است که دیگر طاقت تحمل آن» «را نداشتم و خواستم آن را از دل پردردم بیرون افکنم و حجت را بر شما تمام نمایم.»  
با مرگ فاطمه وظیفه دشوار تبلیغ را زینب بر دوش کشید. هم او که در شهر کوفه در زمان خلافت پدرش امیرمؤمنان جلسات درس تفسیر قرآن برای بانوان برپا می‌نمود... روز یازدهم محرم پس از شهادت جوانمردان بنی هاشم در کوفه، بعنوان بانویی که داغ شهادت دو پسر و چندین برادر زاده و چند برادر جگرش را سخت می‌آزرد دریافت که اکنون هنگام آن رسیده که بعنوان قافله سالار کدروان مصیبت زده بازماندگان کربلا کوله بار فراق عزیزان و داغ جگر گوشه‌ها را بر زمین گذارده، مسؤولیت ابلاغ پیام و اهداف شهدای کربلا را بر دوش بگیرد.

راستی مگر شانه‌های این بانو چقدر توان دارد؟ یک زن و اینهمه داغ که امام سجاد قریب ۲۰ سال بر آن حوادث گریست و هرگز آرام نشد.

تبلیغ بعنوان عنصری که در تبیین و ابلاغ رسالت خداوند از سوی انبیاء سرلوحه کار دین پژوهان قرار گرفته خلعتی است که از انبیاء سلف بر خلقت انسانهای باز پسین پوشانیده گردیده و نیز از مهمترین وظایف و رسالتنهایی است که خداوند از علما و امت خود بر آن عهد گرفته است و امر بر بجای آوردن آن نموده است و البته این رسالت چنان دشوار است که موسی (ع) را خوف عدم انجام رسالت مضطرب نموده دست توسل و نیاز به درگاه الهی دراز کرده می‌گوید: خداوند! اول سینه‌ام را وسعت بخش و تحمل را فراوان گردان که (مبلغ سخت نیازمند صبر و تحمل و بردباری است) و سپس کار را بر من آسان گردان (که این بار را به دشواری توان به مقصد رسانید) و سرانجام گره از زبانم بگشای تا مخاطبان سختم را بدرستی دریابند و سپس بازویم را با مشارکت برادرم هارون محکم گردان. (شاید از عهده این مهم برآیم).

فران کریم می‌فرماید:

خداوند در مورد کافران مثالی می‌زند، زن نوح و زن لوط را که همسر دو بند صالح ما بودند ولی به آنها خیانت کردند و همسری آنها سودی به حالت نداشت... و برای اهل ایمان نیز مثالی زده زن فرعون را آن هنگام که گفت خدایا در بهشت برای من سرایی بساز و مرا از فرعون و کارهایش و از قوم ستمکار نجات بده و مریم دختر عمران را که دامن خود پاک داشت و ما روح خود را در او دمیدیم.

در آیات شریفه فوق خداوند چون در صدد بیان ضرب‌المثلی از انسانهای مؤمن برآمده به ذکر نام و شرح حال دو بانو می‌پردازد و چون احوال انسانهای کافر را به مثال می‌کشد به ذکر نام دو زن از این طایفه اکتفا می‌نماید.

از همین مختصر می‌توان دریافت که زن مؤمن منشأ و خاستگاه جامعه ایمانی و زن کافر خاستگاه و منشأ جامعه کفر خواهد بود. زنان نه از آنجا که از آنها... دهنده بلکه نه مقتضای سمت جاری و سریر خانه بیرون سرمنشأ حضور یافتن در جامعه انسانی خواهند بود و چنین است که زن مؤمن برابر با جامعه مؤمن و زن کافر معنی جامعه کفر است و بهمین جهت اهتمام به ایجاد اصلاح در جامعه بانوان بیشتر از جامعه مردان اهمیت خواهد داشت.

و از همین رهگذر و در این راستاست که می‌بینیم گاه وظیفه تبلیغ دین بر دوش بانوانی سنگینی می‌کند که به حکم ضرورت پای در میان گذارده و به بیان رسالات الهی و تحلیل اوضاع و شرایط روز اقدام نموده‌اند. به دیگر بیان وظیفه تبلیغ بر دوش زنان از این نظر چهره ممتاز و برجسته‌ای می‌یابد که زنان می‌بایست علاوه بر ابلاغ رسالت دینی بر حفظ عفاف و پرده‌پوشی از نامحرم اصرار می‌ورزیدند. به تعبیر روشنتر زن مسلمان گاه در می‌یابد که مصلحت «خیر للنساء ان لایرین الرجال و لایراهن الرجال» را در کنار مصلحت بیان و اعلام رسالت الهی و ضرورت حفظ دین از دستبرد تعریف دشمنان بدخواه قرار داده، در اجتماع پای می‌گذارد و شئون دین را فریاد نماید.

چنانکه سرور بانوان اهل بهشت فاطمه (س) وقتی با مسئله انحراف امت از محور ولایت علی بن ابیطالب مواجه شد، وصایا و سفارشات پیامبر را در جامعه نوپیدایی که رسول‌الله معمار آن بود در خطر دید، ابتدا مقنعه بر سر پیچید و سپس چادر پوشید و علاوه بر آن به این منظور که خود را هر چه بیشتر از منظر و مرآی نامحرمان محفوظ دارد، در میان جمعی از بانوان که او را احاطه نموده بودند راهی مسجد شد.